



ادبیات، علما و فضیلاى پابنخت و محصلان پوهنځی ادبیات حضور بهم رسانیده بودند.

پروفیسور شپولر مستشرق آلمانی که تاریخ اسلام و جغرافیای تاریخی رادر پوهنتون هامبورگ تدریس میکند، بنا بدعوت حکومت افغانستان برای يك بازدید دو هفته ای روز اول ماه می وارد کابل شد. پروفیسور شپولر که در تاریخ افغانستان و ممالک شرق قریب و آسیای غربی تخصص دارد، در طول اقامت خویش بکابل برای استادان و محصلان پوهنځی ادبیات درباره موضوعات «تاریخ و اداره افغانستان در اوایل دوره اسلامی» و «مقاومت مردم افغانستان در برابر تهاجم مغل» کنفرانسهائی در تالار آدیتوریم پوهنتون کابل ایراد نمود. جهت استماع کنفرانس های مذکور بناغلو دکتور محمد انس وزیر معارف، دکتور حامد رئیس پوهنتون، پوهاند مجددی رئیس پوهنځی ادبیات و جلال تهاب سفیر کبیر جمهوریت اتحادی آلمان و برخی ار علمای دیگر حضور بهم رسانیده بودند. پروفیسور شپولر ضمن این توقف مختصر از اکثر نقاط تاریخی کشور بازدید بعمل آوردند.

پروفیسور ناراین رئیس شعبه تاریخ فرهنگ و باستانشناسی هند قدیم و رئیس پوهنځی هندشناسی یونیورسیتی بنارس ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۲۷ جون ۶۵ برای يك توقف دو هفته ای جهت مشاهدات آثار و نقاط تاریخی افغانستان وارد کابل شدند. در میدان هوایی بناغلی توخی نماینده مدیریت عمومی روابط فرهنگی پوهنتون کابل و بناغلی راضی نگارنده این نامه و مدیر نشرات پوهنځی ادبیات از پروفیسور ناراین استقبال بعمل آوردند.

پروفیسور ناراین ضمن اقامتش در افغانستان بر علاوه بازدید از نقاط تاریخی کشور

سیمینار هاو ایر اد کنفرانسهای

پروفیسر ان خارجی در پوهنځی ادبیات

پروفیسور برنارد لویس که استاد کرسی تاریخ شرق میانه پوهنتون لندن میباشند، تحت پروگرام بریتش کنسل برای یک بازدید سه هفته ای از افغانستان و نقاط تاریخی آن بتاريخ دوم ماه می ۱۹۶۵ وارد کابل شدند.



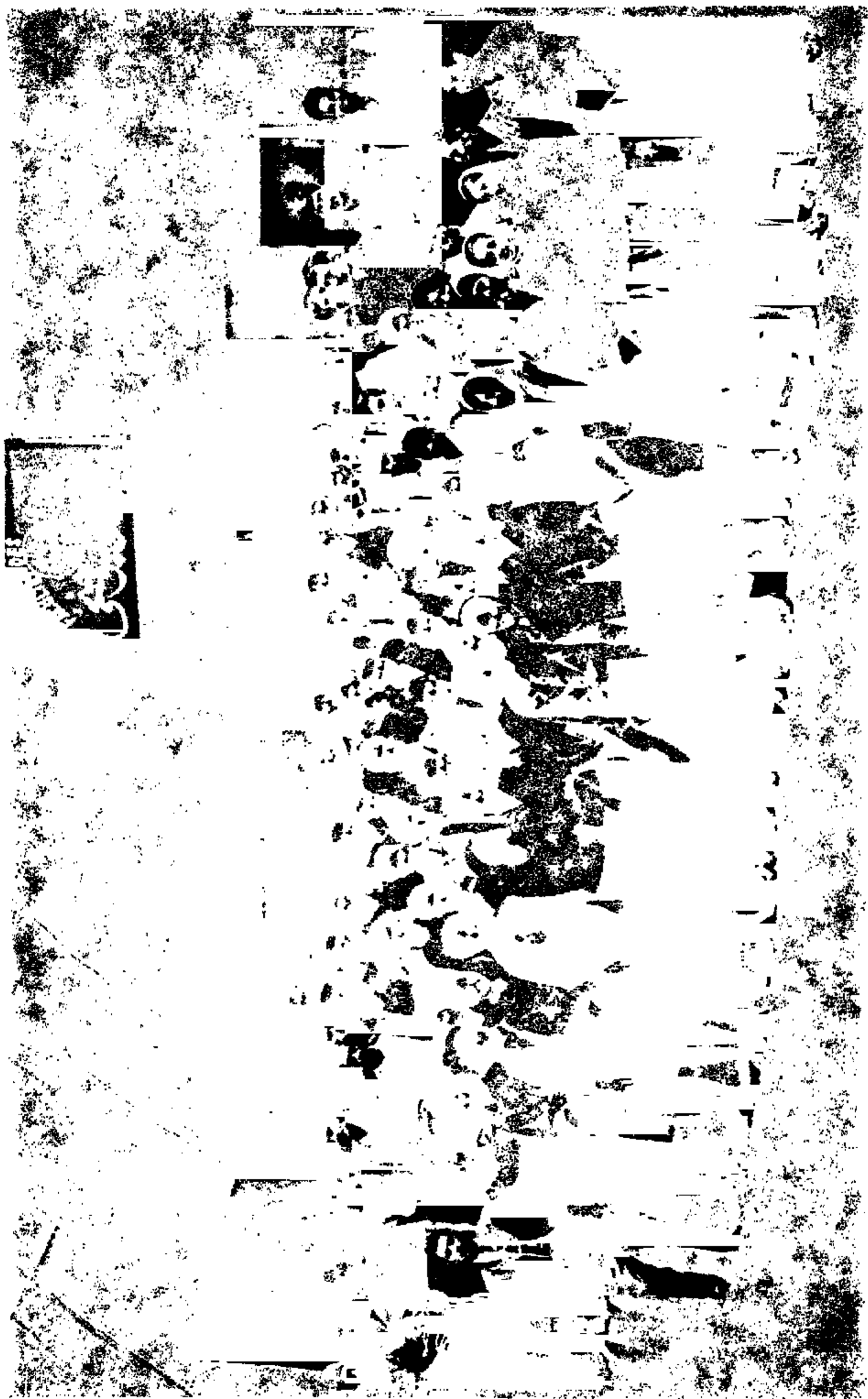
پروفیسور لویس طی اقامت مختصر شان در کابل برای محصلان دپارتمنت تاریخ پوهنځی ادبیات یک سلسله سیمینارهای علمی را داير نموده راجع به موضوعات تحقیق در تاریخ و اساسات تاریخ نگاری با استادان دپارتمنت تاریخ این پوهنځی مباحثاتی بعمل آور دند. علاوه تا پروفیسور لویس ساعت دو نیم بعد از ظهر روزهای ۲۸ و ۱۹ ثور راجع به «لسان

پروفیسور لویس

سیاست در اسلام» و «اکتشافات مسلمین در یورپ»

در تالار آدیتوریم پوهنتون کابل کنفرانسهای ایر اد نمود که طرف د لچسپی حضار قرار گرفت.

جهت استماع کنفرانس های مذکور مینا غاود کتور محمدانس وزیر معارف، د کتور خا مدریس پوهنتون کابل، پوهاند غلام حسن مجددی رئیس پوهنځی



یکدسته از محصلان صنف اول پوهنځی ادبیات با بعضی از استادان شان .



پروفیسور ناراین

یك سلسله كنفرانسها و سيمينارهاي تاريخي رانيز براي محصلان و استادان ديپارتمنت تاريخ و جغرافيه پوهنځي ادبيات داپر نمود .
 مباحثاتي كه ميان پروفيسور ناراین و پوها ند دكتور فاروق اعتمادي امر ديپارتمنت تاريخ پوهنځي ادبيات صورت گرفت بسيار جالب مينمود .



دكتور سيد امير حسن عابدي استاد كرسي زبان دري پوهنتون دهلي كه چندي قبل تحت پروگرامهاي فيلوشپ براي انجام مطالعاتي در مورد نوشتن كتابي مبني بر ادبيات هندو افغان به كابل آمده بودند ساعت ۱۰ قبل از ظهر روزه ۱۵ سرطان در اطراف روابط ادبي افغانستان و هند كنفرانسي ايراد نمود جهت استماع كنفرانس مذكور پوها ند مجددي رئيس و استادان و محصلان پوهنځي ادبيات با بعضي از نمايندگان سفارت هندوستان مقیم كابل اشتراك ورزيده بودند .



دكتور عابدي





پوهیالی عبدالقیوم «قویم»

مدیریت نشرات پوهنځی ادبیات از
همکارینهای مداوم و بسیار مفید پوهیالی
عبدالقیوم قویم در امور نشراتی و بالخاصه
طبع این نشریه کمال امتنان داشته و بپاس این
همکاریشان عکس موصوفرا در این نشریه
چاپ مینماید.

اوس



صاحب امتیاز: پونجی ادبیات

مدیر ذمہ دار: حسین راضی

هیأت تحریر

پوهنوال میرحسین شاه
پوهنوال علی محمد زهما
پوهنوال داکتر علمی
پوهنامل محمد رحیم الهام

اشتراک

مخصلان و متعلمان : ۱۲- افغانی
مشترکان مرکز : ۱۵- افغانی
مشترکان ولایات : ۱۸- افغانی

آدرس

مجله ادب ، پوهنځی ادبیات
پوهنتون کابل ، علی آباد
کابل ، افغانستان

مجله ادب در هر شماره فصلی را ببحث درباره کتابهای تازه و معرفی
آثار جدید علمی و ادبی اختصاص میدهد .

از عموم نویسندگان و مترجمان خواهشمند است که یک نسخه از کتاب
خود را بداره مجله ادب بفرستند تا درین فصل مورد بحث قرار گیرد .

مدیریت نشرات پوهنځی ادبیات

هیأت تحریر

پوهنوال میر حسین شاه
پوهنوال علی محمد زهما
پوهنوال دا کتر علمی
پوهنوال محمد رحیم الهام

آدرس

مجله ادب - پوهنځی ادبیات
پوهنتون کابل - علی آباد
کابل - افغانستان

مشترک

محصلان و متعلمان : ۱۲ - افغانی
مشترکان مرکز : ۱۵ - افغانی
مشترکان ولایات : ۱۸ - افغانی

قیمت این شماره = ۳ - افغانی

مجله ادب در هر شماره فصلی را ببحث در باره کتابهای تازه و معرفی آثار جدید علمی و ادبی اختصاص میدهد.

از عدم نویسندگان و مترجمان خواهشمند است که یک نسخه از کتاب خود را با اداره مجله ادب بفرستند تا درین فصل مورد بحث قرار گیرد.

مدیریت نشرات پوهنځی ادبیات

دو کایت

بیست و دو سال قبل ، هنگامی که معاون تدریسی دارالمعلمین های کابل بودم روزی دو نفر از همکارانم که وظیفه تعلیم را بعهده داشتند وارد اطاق کار من شدند و بعد از مصاحبه مختصری یکی از ایشان بیتی را از غزلیات بیدل بخواند که در آن از تقلید گویش شده بود و دیگری به توصیف و تأیید مضمون آن بیت پرداخت و عنان سخن را به سننایش اشعار بیدل متوجه ساخت. درین میان بنده نیز بمصاحبه ایشان اشتراک ورزیده و چنین اظهار عقیده نمودم که نه تنها غزلیات بیدل سزاوار ستودن است بلکه آثار فروع نکات وی نیز خیلی رسا و زیباست.

در این اثنا یکی از آن دو نفر از من تقاضا کرد تا اگر نمونه ای را بخاطر داشته باشم بطور مثال بیان کنم. من نیز این نکته را بخاطر آورده بیان کردم : « اگر نفسی اثری دارد صرف ارشاد خود کن تاپیش مردم هرزه در انباشی ، و اگر ناخست رساست به حل حقه خویش پرداز تا جراحت دیگران نخراشی . »

آن مرد و همکار بعد از استماع این نکته ، بیکدیگر نگرینشدند و از چهره ایشان اندکی آثار تعجب نمودار گشت و بعد از لحظه ای از اطاق خارج شدند. مشاهده این وضع مرا قدری به تفکر واداشت و با خود اندیشیدم که چرا ایشان چنین متعجب گشتند ؟

الذی شه ام بعد از تداعی یک سلسله خاطرات به چنین استنتاجی نایل آمد : ایشان پنداشته بودند که من در امور انضباطی از معاونی تقلید میکنم که وی پیش از من در دارالمعلمین مشغول انجام وظیفه بوده است و شاید ایشان بزوش وی اقتصادی داشته اند و چون نظر به پندار ایشان من نیز از وی تقلید کرده ام لاجرم شایسته انتقادم و ارائه بیت مذکور نیز اشاره ای باین امر بوده است .

ولی من بدون اینکه بدین اشارات ملتفت گردم نکته فوق الذکر را بیان کرده ام و بلا قصد بجواب ایشان پرداخته ام .

ادب

مجله دو ماهه

شماره ۴

عقرب ۴۴

سال سیزدهم

دوش در محفل برنگ رفته شمعی میگر یست

قدر دانا نیا د بیدل هم با این قانون کنید

استاد ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل نه تنها در حلقه های ذوق و حال اکثر کشور های آسیای میا نه که با ادبیات دری انس و الفت دارند مقام ارجمندی را داراست بلکه صیت شهرت افکارش بعضی از ممالک اروپایی را نیز فرا گرفته دل هواخواهانش بیاد این بیدل همه دل از بام تا شام می تپد و با همین تپیدن ها و جهیدن ها است که از لا بلا و خم و پیچ «کتل» های صعب العبور به قصر معانی بیدل راه یافته اند .

یکی از هواخواهان دو آتشه حضرت بیدل در اروپا جناب ادیب بیدل کیش بیدل اندیش

پرفیسور بوزانی میباشند.

پرو فیسور بوزانی که در یونیورسیتی های روم و ناپل سمت استادی

فهرست مندرجات

صفحه	نویسنده	مضمون
۲ پشتی	پوهاند مجددی	حکایت
۱	راضی	دوش در محفل برنگ رفته شمعی میگریست
۵	دکتور روان فرهادی	بوزانی: همشهری فرهنگی ما
۸	قوریم	پروفیسور بوسانی کیست؟
۱۴	پروفیسور بوسانی	نظریات یک اروپایی درباره بیدل
۲۴	پروفیسور بوسانی	وصف طبیعت در اشعار بیدل
بخش شعر:		
۳۴	ماک الشعر استاد بیتاب	مخمس بر غزل بیدل
۳۶	حضرت بیدل «رح»	دل طپیدن نازوحی دار دو الهام هم
۳۷	پروفیسور بوسانی	ملاحظاتی درباره ربالیزم بیدل
۴۸	اداره	گزارشهای پوهنهی ادبیات

تصحیح

در عنوان صفحه ۸ بوستانی به بوسانی تصحیح شود.

۱۹۳۵ ص ۲-۳، عقد ثریا تألیف غلام همدانی مصحفی چاپ دهلی ۱۹۳۴ ص ۱۶-۱۷
 تذکره بی نظیر تألیف سید عبدالوهاب افتخار چاپ اسدآباد ۱۹۴۰ ص ۳۹ - ۴۵،
 کلمات الشعراء تألیف محمد افضل سر خوش چاپ مدراس ۱۹۵۱ ص ۲۲-۳۶،
 ارمغان پاک تألیف شیخ محمد اکرم چاپ سوم تهران ۱۳۳۳ ص ۲۲۱ - ۲۳۰
 و مرآة الخیال تألیف امیر شیرعلیخان لودی چاپ بمبئی ص ۲۹۴ - ۳۰۳ (۱).
 در ماه ششم سال ششمین زندگی، مادر مهربان بیدل را به دبستان نشانید در ظرف هفت ماه
 خوانده شد و در مدت یکسال قرآن را به پایان رسانید و تاده سالگی به آموختن
 صرف و نحو و قواعد عربیت و ادبیات دری همت گماشت و در سن ده سالگی
 شاعر شد و زیبایی صوری یکی از هم سبقان، جمال معنوی وی را از پرده خفا در
 معرض ظهور جلوه داد. (۲)

میرزا قلندر عم امی و صوفی وی اولین شخصی بود که حضرت بیدل را به شاعری
 توصیه میکرد و متیقن بود که آن روز زود خواهد رسید که نفس گرم حضرت بیدل
 آتش به سوختگان عالم زند.
 قسمت بزرگ زندگی حضرت بیدل مقارن پادشاهی اورنگزیب است که
 از شاهان معروف مغولیه هند بشمار می آید. ارادتمندان آثار بیدل در افغانستان،
 هندوستان، پاکستان و آسیای مرکزی بسیار فراوان است چنانچه در کشور عزیز ما
 روز چهارم صفر بنام روز «عرس بیدل» معروفست و بدین مناسبت در خانه های
 بعضی از بیدل شناسان افغانی مانند استاد هاشم شایق افندی و جناب فیض محمد
 ذکریا محافل ترتیب میشود و مشاعر هه صورت میگرفت و شعر و نثر او را مورد بحث
 و فحص قرار میدادند. (*)

(۱) بیدل چه گفت؟ تألیف فیض محمد زکریا با مقدمه سعید نفیسی چاپ تابان ۱۳۳۴ ص ۲-۳

(۲) فیض قدس تألیف استاد خلیلی چاپ مطبعة عمومی کابل ۱۳۳۴ ص ۲

(*) وزارت معارف نیز در سال ۱۳۳۵ روز عرس بیدل را در بوستانسرای برگزار و تجلیل

نمود که متأسفانه حالا این سنت متروک شده است.

کرسی ادبیات دری را دارند ، بنابعد عوت پوهنتون کابل روز چهارمیزان ۴۴ وارد افغانستان شدند و طی اقامت دو هفته ای خویش در کابل پیرامون « نظریات یک اروپائی درباره بیدل » ، « وصف طبیعت در اشعار بیدل » و « ملاحظاتی درباره ریالیزم بیدل » کنفرانسهای بحضور ادیبان و بیدل شناسان افغانی ، استادان و محصلان پوهنهی ادبیات ایراد نمود که اینک نظر بدخواست علاقمندان ، شماره چهارم سال سیزدهم مجله ادب را کاملاً برای معرفی پروفیسور بوزانی « ۱ » و نشر کنفرانسهای وی و اشعار و حکایت های شیرین مربوط به موضوع بیدل اختصاص میدهیم تا به حیث یک رساله ، محصلان را بکار آید و مترسلان را بلاغت افزاید .

از آنجائیکه پروفیسور بوزانی فقط درباره افکار و اندیشه ها و سبک بیدل سخن رانده اند لذا صواب آنست که اول سوانح زندگانی بیدل را بصورت بسیار مختصر روشن گردانیم : حضرت مولینا عبدالقادر متخلص به « بیدل » که نیروی خیال و فکرش چون ستاره ای تابناک در آسمان ادب دری برای ابد تلالو میکند در سال ۱۰۵۴ مطابق ۱۶۴۴ عیسوی در عظیم آباد پتنه پابعرضه وجود گذاشت و جهانی را با آثار فنا ناپذیر خود روشن ساخت . درست روز چهارم صفر ۱۱۳۳ بود که این ستاره درخشان از افق ادبیات دری افول کرد . (۲) نام پدر حضرت بیدل را میرزا عبد الخالق مینو یسند که شغل سپاهگیری داشت و هنوز کودک بود که پدرش رخت از جهان بست و ویرا یتیم گذاشت .

در همه کتابهایی که در شعر فارسی از قرن یازدهم به بعد بحث کرده اند راجع به حضرت بیدل مطالبی میتوان یافت که علی العجالة چندی ازین کتابهای معتبر را با موءلفان شان معرفی میداریم .

سفینه خوشگو ، سر و آزاد تألیف میر غلام علی آزاد بلگرامی چاپ حیدرآباد دکن ۱۹۱۳ ص ۱۴۸-۱۵۴ ، نکات الشعر تألیف میر تقی میر چاپ اورنگ آباد دکن

۱ « نویسنده با ذوق و مبتکر ما شاغلی دکتور روان فرهادی در مضمون « بوزانی : همشهری فرهنگی ما » با سبلی جالب که مخصوص خود شان است وصف پروفیسور بوزانی را نیک گفته آمده اند .

(۲) یاد بیدل چاپ کابل ۱۳۳۵ ص ۷

بوزانی: همشهری فرهنگی ما

در وسط قرن بیست حلقه های شرق شناسان آگاه شدند که در میان ایشان یک دانشمند تند فکر و با استعداد ایتالوی ظهور کرده است. این دانشمند بوزانی بود که با نشر ترجمه های آثار اقبال لاهوری به اثبات رسانید نیروی درک کلام و فکر شرق را به پیمانۀ وسیع داراست.

در نگاه من خجسته ترین روز در شناخته شدن بوزانی در اخیر ماه اگست ۱۹۵۷ در شهر مونشن واقع شده است. در آن روز بوزانی در محضر عده ای از شرق شناسان برجسته و شناسندگان ادب دری مطلبی را اعلام کرد که پیش از او کمتر کسان به آن پی برده بودند و آن این که مرحله سبک هند ی در ادب زبان دری غنی، دلچسپ و سزاوار توجه و مطالعه می باشد. دانشمند ایتالوی بیا نیه ای بزبان آلمانی ایراد کرد و یکعده اشعار گزیده گویندگان سبک هند را شرح داد و اضافه نمود که جهان غرب با ترقیات ادبی کنونی و ظهور مکاتب جدید سخن بعد ازین خواهد توانست به معنای اشعار سبک هند پی برد.

برای اینکه قدرت ابتکار استاد بوزانی درین مورد دانسته شود باید بخاطر آورد که شرق شناسان غرب سبک هند را در اوقیانوس تاریخ شعر دری یک جزیره دور افتاده شناخته بودند که در ساحل آن سفینه فکر نباید لنگرانند از دزیر اسزوار آن نیست. هانری ماسه شرق شناس ارجمند فرانسوی که محاسن سپیدا و در نگاه شرقی و غربی نشانه محبت و فداکاری او به شناسائی ادب فارسی می باشد در

نظم و نثر بیدل در افغانستان معیار شعر شناسی و سخن سنجی گشته شعر و نثر و حتی تصوف و عرفان ویراسر مشق و نمونه قرار داده اند. روش بیدل مخصوص بخود اوست و ی فلک ادب را سقف شگافته است و جهان سخن را طرح نو در انداخته .

آثار بیدل :

اثر معروف بیدل کلیات اوست شامل نظم و نثر که مندرجات آن بدینگونه است :
 مثنوی عرفان ، مثنوی طور معرفت ، نکات (بشر) ، اشارات و حکایات متعلقات
 نکات (بشر) ، رقعات ، چهار عنصر (بشر) مثنوی محیط اعظم ، غزلیات ، رباعیات ،
 مثنوی طلسم حیرت ، قصاید « ۱ » و مقطعات ، منظومه نرگستان ، منظومه گل زرد .
 آثار نظم بیدل در حدود نوونه هزار بیت میرسد چهار عنصر چنانکه از نامش
 پیداست در چهار فصل نگارش یافته و شامل قسمت های جداگانه است بدین ترتیب :
 هجوم حیرت ، دبستان صنع ، بهارستان جنون ، نغمه وحدت ، سرمه اعتبار ،
 مرآة اسعد (منظوم) ، گدیری نامه « ۲ » .

محمد حسین «راضی»

۱- کتاب قصاید را خود «قصاید فیوض» نام داده است .

۲- گدوی بزبان هندی لباس فقر را گویند .

به محض آنکه یک استاد غربی از وی تمجید میکند، درین باب، از غفلت بدر آیند.
بوزانی مانند کوهنوردان فرنگی است که قله مارافتح می کنند. بیدل خواننده را
از کوه و کوتل درسخن و پندار خود آگاه کرده است :
«سیر فکرم آسان نیست، کوهم و کتل دارم!» باشد که بهمراهی بوزانی کوه نورد
غربی، عده‌ای از کهزادان شرقی نیز همت ورزیده از عروج سوی فکری بیدل نهر اسند.
بوزانی که در روم و ناپل تدریس میکند (ویک قسمت عمر گرانمایه اش هم در رفت
و آمد بین این دو شهر تاریخی صرف می شود) در حقیقت غربی خالص نیست.
بوزانی فرزند کرانه مدیترانه است و سوی خاور می نگرد. تنش در کنار بحر الروم
در جنبش است مگر دلش بر لوحه عظیمی که از کهسار اطلس در مغرب الاقصی تا
رودخانه های سند و گنگارا فرا گرفته می تپد و در کنار دل وی دل زوجه اش (که او هم
بحکم طبیعت خواه مخواه شرقی مزاج گردیده است) در حرکت است و به همین معنی
باید هر دو هم وطن و همشهری شناخته شوند.

دکتر روان فرهادی

کابل ۱۸ عقرب ۱۳۴۴

رساله‌منتخبات آثار فارسی که حاوی تراجم متون بزبان فرانسه می باشد ضمن معرفی قرون اخیر از طالب آملی و کلیم سرعت گذشته و ذکر از قانی و یغما میکنند و شیراز کتاب را می دوزد. استاد آربری دانشمند صاحب‌دل برتانوی در رساله ادب کلاسیک فارسی که در سال ۱۹۵۸ نشر شده، بعد از معرفی حضرت جامی دروازه سخن را می بندد و سبک هند را نادیده می انگارد یا سزاوار شمول در حلقه کلاسیک نمی داند. تنها دانشمند کناره گیر و سالخورده چکی یعنی ریپکا در شرح ادب فارسی توجهی بسوی ساحة مشرقی زبان فارسی می نماید.

اکثر دانشمندان جوان غربی درین ایام زیر تأثیر نشریات تهران می روند و به کشف قاره باکره سبک هند نمی پردازند (والحق حیف است که امروز عده ای از گویندگان زبان دری از غایت بی خبری و بی همتی سبک هند را بیهوده و نشانه زمان شکست و سقوط ادب زبان خویش بشناسند!)

بوزانی فریاد بر آورد که بدون شناختن سبک هند گو یا سیر ادب فارسی را نشناخته ایم. فریاد دیگر بوزانی متصل به فریاد اول او بود و آن اینکه میرزا عبد القادر بیدل (که در اکثر رساله های معرفی سیر ادب پارسی از وی سخنی نیامده و یا درباره او یک دوسطرخشک و بیروح درج شده است) یکی از چیره دست ترین گویندگان زبان و عمیق ترین مفکران شرق می باشد.

بوزانی که با افراشتن پرچم سبک هند راه نوینی در تحقیق سیر تاریخ ادب پارسی گشوده بود، با اعلام مقام بیدل نام خود در ادب کنار نام اعظم شرق شنا سان که درین دو صد سال به شرح و معرفی پندار و سخن خاور زمین همت گماشته اند ثبت کرد: «فیتس جرالده» حکیم عمر خیام را به غرب شناختاند و «گارسن دوتاسی» عطار را و «نیکولسن» مولانا ی بلخی را و قس علی هذا. بهمین سلسله بوزانی بیدل را معرفی میکند و شاید باین گونه یک عده از اهل زبان که تا کنون از کلام بیدل غافل بوده اند

زبان دری را بیشتر تقویه بخشید و حتی زبان هندی رانیز فرا گرفت و با چند تن از انقلابیون هندی بنام «چندرابوس» و «رشیدعلی اسکندرانی» آشنایی حاصل کرد و گویا آموختن زبان اردو، در اثر آشنایی وی با آن اشخاص صورت گرفته است. پروفسور بوسانی در سال ۱۹۴۳ میلادی، دو کتورای خود را در اثر نوشتن رساله‌ای تحت عنوان «تکامل نحو زبان دری» بدست آورد. آنگاه به صفت معاون پروفسور (کتور) در پوهنتون «ناپل» مقرر شد. وی تا سال ۱۹۴۵ به همین رتبه باقی ماند؛ اما در سال ۱۹۵۷ به حیث پروفسور رسمی زبان و ادبیات دری پوهنتون شرقی ناپل شناخته شد. در سالهای اخیر کرسی اسلامیات و کرسی زبان و ادبیات اندونیزیایی بصورت مجانی نیز به وی تعلق گرفت.

پروفسور بوسانی، برای نخستین بار در سال ۱۹۵۰ به ایران سفر کرد و از طریق عراق و لبنان به ایتالیا برگشت. در ۱۹۵۵ از پاکستان شرقی و غربی دیدن نمود و کنفرانسهائی هم در آن مملکت ایراد کرد. در سال ۱۹۵۷ باز به پاکستان و ایران مسافرت نمود. در سال ۱۹۶۰ برای سومین بار از پاکستان دیدن کرد و در این سفر از طریق اتحاد شوروی به زادگاهش برگشت. در سال ۱۹۶۳ در کانگرس مستشرقین شرقی منعقدۀ دهلی شرکت ورزید و بعد از اختتام آن به اندونیزیارفت و در آنجا کنفرانسهائی ایراد نمود و در ضمن دیدن ایران به ایتالیا عودت کرد. در سال ۱۹۶۵ یعنی روز یکشنبه ۴ میزان ۱۳۴۴ بنا بر دعوت پوهنتون کابل، به افغانستان وارد شد و در طی چهارده روز اقامت خویش راجع به بیدل و دانه چندین کنفرانس ایراد کرد که متن این کنفرانسها در صفحات آینده همین شماره از نظر خوانندگان خواهد گذشت.

آثار و تألیفات:

هما نظر یکه پروفسور بوسانی در آموختن برخی از زبانهای معتبر

پروفیسور بوسانی کیست؟

پروفیسور الکز ندر بوسانی در ماه می ۱۹۲۱ میلادی در شهر تار یخی روم واقع در کشور ایتالیا چشم بجهان گشود. او دوران کودکی را در آغوش يك خانوادۀ متوسط سپری کرد و تحصیلات ابتدایی را در شهر روم به پایان رسانید و سپس جهت ازدیاد معلومات در همین شهر شامل لیسه شد. پروفیسور بوسانی ضمناً لیسه شبانه را که جهت اشاعۀ فرهنگ و ثقافت شرقی در آنوقت در شهر روم وجود داشت، تعقیب کرد و در ۱۷ سالگی زبان عربی و دری را فرا گرفت. هنگامیکه در پوهنتون شامل شد، به این دوزبان تسلط کامل داشت.

هنوز در دامان پوهنتون بیش از دو سال را سپری نکرده بود که آتش خانمان سوز جنگ دوم جهانی در گرفت. صدای انفجار بمب، شلیک پیگیر مرمی های توپ و تفنگ، عالمی را به دهشت افکند. ممالک دست بکار حمله و یا مدافعۀ زدند. کشور ایتالیا نیز داخل صحنۀ پیکار شد. پروفیسور بوسانی که تا آنوقت جز طریق برادری و دوستی نمی سپرد و بغیر از آرامش و امنیت آرزویی نداشت، مجبور شد به دستور دولت ایتالیا در ردیف جنگ آوران برای دفاع از خاک آمادۀ نبرد شود. اما خوش شبختانه او را بهار و دگاہ نفرستادند بلکه به کار ترجمۀ موضوعات و پروپاگند های مربوط به جنگ تعیینش کردند. وی مدت دو سال موضوعاتی را که از طرف «وزارت ثقافت خلقی» برایش سپرده میشد، ترجمه می کرد و اینکار را نسبت مشاهده جویهای خون و پشته های کشته میدان جنگ که حوادث رقتباری می نمود، خوش آیند می پنداشت. پروفیسور بوسانی در این مدت، از راه ممارست

۱۱ - کتابی تحت عنوان « نظراجمالی در باره ایران » به زبان ایتالیایی

در سال ۱۹۶۲ .

۱۲ - ترجمه ایتالیایی ریشنامه ابو عبید زاکانی منطبعة سال ۱۹۶۳ .

۱۳ - ترجمه ایتالیایی هفت پیکر نظامی که فعلاً تحت چاپ است .

۱۴ - مقالات متعدد بزنهاي مختلف که تعداد آنها به صد بالغ می گردد .

علت علاقمندی وی با اشعار و افکار بیدل:

آنسانکه پروفسور بوسانی درباره علامه اقبال لاهوری مطالعات و آگاهی دقیق و وسیع دارد ، در خصوص بیدل نیز اطلاعات خوبی را داراست . یگانه گواه ما در این مورد همانا یک سلسله کنفرانسهای بود که وی در تالار کنفرانسهای پوهنخعی ادبیات ایراد کرد و مدیریت پوهنخعی ادبیات ، همه آن کنفرانسها را بصورت مرتب در این شماره به استفاده خوانندگان گرامی گذاشته است پیش از آنکه بمطالعه متن گفتار پروفسور بوسانی اقدامی بعمل آید لازم است روشن گردد که وی چسان با افکار و اشعار حضرت بیدل علاقمندی پیدا کرده است .

درست در هنگام جنگ دوم جهانی ، این بیدل شناس معروف ، با عبدالعزیز خان افغانی که شاعر متوسط و مردی ادب دوست بود ، آشنایی بهم رسانید . طوریکه پروفسور بوسانی زبان دری را برای نخستین بار از زبان دری گویان افغانی مقیم ایتالیا ، فرا گرفته بود ؛ بیدل را نیز ضمن مصاحبه و مجالست آن مرد افغانی شناخت بدین معنی که عبدالعزیز خان گاه گاهی اشعار بیدل را برای پروفسور بوسانی میخواند و حتی بعضاً درباره اشعار بیدل بحث مختصری می نمود و مرتبت شاعری او را نسبت به حافظ برتر می شمرد . این آگاهی اندک برای پروفسور بوسانی بسنده نبود بلکه لازم داشت جهت آگاهی مزید ، توسن رهوار اندیشه را بیشتر بتازاند تا باشد

جهان چون پهلوی، دری، عربی، اردو، ترکی، اندونزیایی، فرانسوی، جرمنی، روسی و بسیاری از زبانهای دیگر اروپایی مهارت و لیاقت داشته و در مورد زبان و ادبیات پښتو اطلاعات وسیعی را حاصل نموده است، در نوشتن کتب و مقالات متعدد نیز توانایی و قدرت کم نظیر نشان داده است. ما برای اثبات این مطلب آثاری را که تا کنون نشر کرده است، به ترتیب گرونو لوژی در ذیل تقدیم میداریم:

- ۱- ترجمه و حواشی جاوید نامه علامه اقبال لاهوری به ایتالیایی در سال ۱۹۵۲.
- ۲- ترجمه و حواشی قرآن مجید به ایتالیایی در سال ۱۹۵۵.
- ۳- ترجمه ایتالیایی رباعیات عمر خیام با حواشی و مقدمه در سال ۱۹۵۶.
- ۴- ترجمه ایتالیایی رباعیات فارسی و عربی و شرح حال ابن سینای بلخی تحت عنوان «شاعر»، در سال ۱۹۵۶.
- ۵- ترجمه ایتالوی منتخبات اشعار اقبال با حواشی و مقدمه و توضیحاتی درباره سبک شعری وی، در سال ۱۹۵۶.
- ۶- ترجمه ایتالوی متون مذهبی زردشتی به انضمام مینوی خرد زردشتی از زبان پهلوی، در سال ۱۹۵۷.
- ۷- تاریخ ادبیات پاکستان بزبان ایتالوی، در سال ۱۹۵۸. در این کتاب زبانهای فارسی، اردو، پنجابی تشریح و لهجه های محلی پاکستان جمع آوری شده است. محتویات آن سه صد صفحه را در بر دارد.
- ۸- «تاریخ ادیان ایران» با ترجمه برخی از متون مذهبی در پنج صد صفحه بزبان ایتالوی در سال ۱۹۵۹.
- ۹- تاریخ ادبیات دری بزبان ایتالوی در نه صد صفحه، در سال ۱۹۶۰.
- این کتاب در بعضی از پوهنتونهای امریکایی بحیث کتاب درسی استعمال می شود.
- ۱۰- منتخبات ادبیات مالیزی، در سال ۱۹۶۳.

بعد از وفات تربت ما بر زمین مجوی
در سینه های مردم عارف مزار ما است

پروفیسور بوسانی از این سفر افغانستان خاطره خوشی داشته و امیدوار است اگر فرصت دست دهد بار دیگر به کشور زیبای افغانستان یا «سرزمین اندیشه بیدل» باز آید تا از فیض بیدل شناسان افغانی بیناد دل گردد .

ع، ق قویم



دستگاه شوخی دردند دل‌های دونیم

گل ز برگ خویش دارد پشت بر دیوارها	بسکه شد حیرت پرست جلوه ات گلزارها
مهره را نتوان گرفتن از دهان مارها	دل ز دام حلقه زلفت چسان آید برون
نالہ دارد بیتو مژگانم چو موسیقارها	از نوای حسرت دیدار ما غافل مباش
نیست بال نالہ جز وا کردن منتقارها	دستگاه شوخی دردند دل‌های دونیم
میخورد بر گوش یکسر معنی اسرارها	گوشه گیران غافل از نیرنگ امکان نیستند
درد میفهمد زبان نبض این بیمارها	باعث آه حزین ما همان از عشق پرس
میروند بر باد مانند صدا کھسارها	در بیا بانی که مافکر اقامت کرده ایم
کهنه شد از آمدورفت نفس تکرارها	نسخه نیرنگ هستی به که گرداند ورق
با کف خاکم هنوز آن طفل دارد کارها	مرده ام اما ز آسایش همان بی بهره ام

بسکه (بیدل) بانسیم کوی او خو کرده ام

میکشد طبعم چو زخم از بوی گل آزارها

به دنیای بی‌پهنه افکار بیدل رسد. راستی بالاخره پروفیسور بوسانی در اثر این تفحص و تجسس به دنیای مورد نظرش رسید و دانست که در آن هر چیز آن ورنگ هستی را به صورت وضوح تجسم می‌دهد. او همچنان بدین رمزپی برد که آنجا هم جهان معنی است و هم جهان ماده، آنجا هم سرزمین واقع‌گرایی است و هم محیط تحلیل‌انگیزه‌ها و انطباعات اجتماعی. او آنجا شاهد مقصود را گاهی در لباس سخنان ساده یافت و زمانی آنرا در پرریان تشبیهات، استعارات و کنایات، پوشیده دید.

تشخیص جمال این شاهد برای او نه بسیار آسان و نه بسیار مشکل و طاقت فرسا بود، بلکه درک آن به یک شعور خود آگاه و بیک اندیشه و قادیو ستگی داشت. پروفیسور بوسانی این شاهد را بعد از دقت و مطالعه اشعار بیدل شناخت مطالعه دقیق این اشعار بعد از چند سفر او به پاکستان و هند و حصول دیوان بیدل در این ممالک صورت گرفت. او هر چیزی را که راجع به بیدل و افکار او درک میکرد به استفاده علاقه‌مندان اروپایی می‌گذاشت.

بعد از آنکه پروفیسور بوسانی به افغانستان مسافرت نمود، قرار گرفته خودش، چیزهایی بیشتر از پیشتر فهمید، زیرا گذشته از صحبت با بیدل شناسان افغانی که برخی از رموز افکار و اشعار بیدل را برای او باز نمودند، کلیات بی‌نظیر بیدل را که در افغانستان بچاپ رسیده است باز یافت کرد. به عقیده وی اقدام افغانیان جهت چاپ کلیات بیدل و فراهم آوردن زمینه آشنایی همگان از افکار این شاعر گرانمایه، کار پرارج و معقولی می‌باشد. به عقیده پروفیسور بوسانی مردم افغانستان نسبت به مردم ایران و تاجکستان به اشعار و افکار بیدل دلچسپی زیاد دارند همچنان به نظری اگر جسد حضرت بیدل در کشور افغانستان وجود نداشته باشد هیچ کس ادعا نخواهد کرد که افکار وی در این سرزمین نیست. به عقیده وی اشخاصی مانند بیدل، تنها به کشوری واحد تعلق ندارند بلکه آنها از آن همه جهانیانند و محبت آنان در کانون قلب تمام انسانها جاگزین است. طوریکه مولانا جلال‌الدین بلخی گوید: